



History & Culture

تاریخ و فرهنگ

Vol. 52, No. 1, Issue 104

سال پنجاه و دو، شماره ۱، شماره پیاپی ۱۰۴

Spring & Summer 2020

بهار و تابستان ۱۳۹۹، ص ۱۷۳-۱۴۱

DOI: <https://doi.org/10.22067/JHISTORY.2021.68597.1012>

اثر رقابت‌های سیاسی فاطمیان با عباسیان بر منسوجات فاطمی*

امیرنیما الهی^۱

دانشجوی دوره دکتری رشته پژوهش هنر دانشگاه هنر، استان تهران، شهر تهران

Email: e.elahirad@student.art.ac.ir

دکتر صمد سامانیان

دانشیار دانشکده هنرهای کاربردی دانشگاه هنر، استان تهران، شهر تهران

Email: samanian@art.ac.ir

چکیده

سده‌های چهارم تا ششم هجری دوران کارزار خلافت شیعه فاطمی با خلافت سنی عباسی در بخش عمده‌ای از سرزمین‌های اسلامی بود. این دو برای تقابل سیاسی با یکدیگر به‌طور گسترده‌ای از منسوجات استفاده می‌کردند. هدف این پژوهش تحلیل زمینه‌گرایانه تأثیر رقابت سیاسی فاطمیان با عباسیان بر منسوجات فاطمی است و پرسش اصلی آن چگونگی اثر این رقابت‌های سیاسی بر منسوجات فاطمی است. چهارچوب زمینه‌گرایی با تکیه بر این نظریه که اثر هنری محصولی اجتماعی است که در بستر تاریخی جامعه شکل می‌گیرد، زمینه را برای تحلیل نقش منسوجات در این رقابت در بافت تاریخی - سیاسی آن دوره فراهم می‌سازد. برای نگارش این پژوهش از مطالعه اسنادی برای گردآوری داده‌ها و از روش توصیفی - تحلیلی بر پایه تحقیقات نظری استفاده شده است. بر اساس نتایج این پژوهش نقش منسوجات در رقابت سیاسی فاطمیان با عباسیان سه دوره را در برمی‌گرفت: دوره نخست خلافت فاطمی که در آن، منسوجات در سرنوشتی کارگزاران عباسی در شمال آفریقا و تثبیت خلافت فاطمی نقش نمادین داشت. دوران شکوه فاطمیان و تسلط بر صنعت نساجی مصر که در آن، از منسوجات برای نفوذ سیاسی در سرزمین عباسیان استفاده می‌شد و سرانجام دوران پایانی خلافت فاطمی که در آن، به علت بحران‌های داخلی و خارجی، منسوجات ابزاری برای برقراری روابط سیاسی با عباسیان بود.

کلیدواژه‌ها: رقابت سیاسی، هنر اسلامی، منسوجات فاطمی، منسوجات عباسی.

* مقاله پژوهشی؛ تاریخ وصول: ۱۳۹۹/۱۲/۱۵؛ تاریخ تصویب نهایی: ۱۴۰۰/۰۴/۰۷. این مقاله بر گرفته از رساله دکتری نویسنده اول به راهنمایی نویسنده دوم با عنوان بازشناسی و تحلیل پوشاک دوران فاطمی بر اساس متون تاریخی، اسناد و فرهنگ مادی در رشته پژوهش هنر دانشگاه هنر است.
۱. نویسنده مسئول.

Analysis of the effect of Fatimid political rivalry with Abbasids on Fatimid textiles¹

Amir Nima Elahi, PhD student in Art Research, University of Arts, Tehran Province, Tehran (Corresponding Author)

Dr. Samad Samanian, Associate Professor, Faculty of Applied Arts, University of Arts, Tehran Province, Tehran

Abstract

The fourth to sixth centuries AH marked the concurrent ruling of the Fatimid Shiite caliphate and the Sunni Abbasid caliphate in a vast stretch of the Islamic territory. The two caliphates extensively used textiles as a means of political confrontation. This study aims to conduct a contextual analysis of the impact of the Fatimid political rivalry with the Abbasids on Fatimid textiles. Accordingly, the main question is how these political rivalries influenced the Fatimid textiles. The contextualism framework, informed by the theory that a work of art is a social product shaped in the historical context of society, lays the ground for exploring the role of textiles in this rivalry within the historical-political context of that period. In this research, a document analysis method has been adopted for data collection along with a descriptive-analytical method that draws on the theoretical research. According to the findings, the role of textiles in the Fatimid political rivalry with the Abbasids covers three periods: the first one is the Fatimid Caliphate, in which textiles played a symbolic role in overthrowing the Abbasid agents in North Africa and establishing the Fatimid Caliphate. The second is the golden age of the Fatimid period and the domination of the Egyptian textile industry, when textiles were exploited for political lobby in the Abbasid land. The third one is the last years of Fatimid caliphate, in which, due to internal and external crises, textiles served as means of establishing political relations with the Abbasids.

Keywords: Political Competition, Islamic Art, Fatimid Textiles, Abbasid Textiles

مقدمه

رقابت سیاسی میان خلافت شیعه فاطمی (۲۹۷-۵۶۷ق) و خلافت سنی عباسی (۱۳۲-۶۵۶ق) بیش از دو سده ابعاد گسترده نظامی، فرهنگی و سیاسی داشت و دو طرف ابزارهای گوناگون بر ضد یکدیگر به کار می بردند. از جمله آثار و فعالیت‌های هنری که منسوجات را نیز دربرمی گرفت؛ از پرچم‌ها و خیمه‌ها گرفته تا پوشاک و خلعت‌ها و لباس خطیبان مساجد همه نمادهایی از قدرت سیاسی فاطمیان و عباسیان بود. با توجه به اهمیت منسوجات در این رقابت سیاسی، این پرسش مطرح می‌شود که چگونه می‌توان تأثیر رقابت سیاسی فاطمیان با عباسیان را بر منسوجات فاطمی در بستر تاریخی آن تحلیل کرد؟ داده‌های تاریخی این فرضیه را تقویت می‌کند که ارتباط مستقیمی میان منسوجات فاطمی و رقابت سیاسی آن‌ها با عباسیان وجود داشته است و رنگ، کیفیت و کتیبه‌های بخشی از منسوجات فاطمی نشان‌دهنده آن است. بنابراین، هدف این پژوهش تحلیل نقش سیاسی منسوجات در آن رقابت و کاربرد آن‌ها در رویدادهای مهم تاریخ خلافت فاطمی است. به‌رغم انجام پژوهش‌های مختلف درباره منسوجات فاطمیان، همچنان نقش منسوجات در رقابت سیاسی فاطمیان با عباسیان مغفول مانده است. در راستای این هدف، نخست به زمینه‌های تقابل سیاسی میان فاطمیان و عباسیان می‌پردازیم و سپس نقش منسوجات در این رقابت سیاسی، در قالب سه دوره آغاز، اوج و افول خلافت فاطمی و با رویکرد زمینه‌گرایی تحلیل می‌شود تا روزنه جدیدی برای پژوهشگران تاریخ هنر و علوم انسانی گشوده شود.

روش پژوهش و چهارچوب نظری

این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی و بر پایه تحقیقات نظری انجام شده و داده‌های آن از مطالعه اسنادی و بررسی آثار نساجی دوره فاطمی گردآوری شده است. جامعه آماری این پژوهش منسوجات دوره فاطمی در موزه‌های جهان را دربرمی‌گیرد. از میان آن‌ها، ۲۰ مورد بر رقابت سیاسی فاطمیان با عباسیان دلالت داشتند و یک مورد به دوران آغاز خلافت فاطمیان، ۱۴ مورد به دوران شکوه و ۵ مورد به دوران پایانی آن خلافت مربوط بوده است. از آن‌جا که این پژوهش آثار هنری را در بستر تاریخی آن‌ها تحلیل می‌کند و به تبع، ویژگی‌های سیاسی دارد، رویکرد زمینه‌گرایی برای چهارچوب نظری این پژوهش مناسب است؛ زیرا بر اساس آن هر اثر هنری محصولی منفرد و معجزا نیست که تنها حاصل نبوغ فردی هنرمند باشد؛ بلکه بخشی از بافت گسترده‌تر جامعه‌ای است که برای آن تولید شده است.^۱ این چهارچوب نظری، هنر را در

1. Sharon Dale, "Contextual Art History", *History of Art*, Vol. 8, No. 3 (1989), 32.

بافت و زمینه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و مذهبی آن بررسی می‌کند.^۱ در چهارچوب زمینه‌گرایی، آثار هنری اشیایی عمیقاً تاریخی‌اند که خارج از زمینه‌ها و بسترهای پیدایش‌شان، نه جایگاه هنری مشخصی دارند و نه هویت معینی و نه از ویژگی‌های زیباشناسانه برخوردارند.^۲ در این پژوهش کیفی، تحلیل زمینه‌گرایانه تنها به بستر سیاسی منسوجات در رقابت فاطمیان با عباسیان محدود می‌شود که بازه زمانی سده‌های ۴-۶ق در جنوب اروپا، شمال آفریقا، خاورمیانه و جنوب آسیا را در بر می‌گیرد.

پیشینه پژوهش

در میان پژوهش‌هایی که در زمینه منسوجات فاطمی انجام شده، چند اثر پیشگام‌اند: ارنست کونل^۳ شمار بسیاری از منسوجات مصر را مطالعه کرد و آن‌ها را به ترتیب تاریخی رده‌بندی و فهرستی از این یافته‌ها برای موزه‌های دولتی برلین تهیه کرد که با نام منسوجات اسلامی گورستان‌های مصر در بخش هنرهای اسلامی و مجموعه پارچه‌های کاخ - موزه‌ها^۴ در ۱۹۲۷م انتشار یافت. او کوشید تا به کمک منابع مکتوب، شهرهای مهم تولید پارچه در مصر را شناسایی کرده و تولیدات آن‌ها را معرفی کند. کونل پارچه‌های فاطمیان را به ترتیب تاریخ در سه بخش بررسی کرده است: بخش نخست: دوره آغاز خلافت فاطمی تا آغاز خلافت مستنصر، بخش دوم: دوره خلافت مستنصر و بخش سوم: از پایان خلافت مستنصر تا پایان خلافت فاطمی در سده ۶ق را در بر می‌گیرد. علت پرداختن او به پارچه‌های دوران مستنصر در یک بخش جدا دوران بلند حکومت او است که بیش از نیم قرن به درازا کشید و بخش چشمگیری از پارچه‌های فاطمی در دوران او تولید شده است.^۵ کونل در سال ۱۹۵۲م به کمک لوتیزا بلینگر^۶ فهرست دیگری را با نام فهرست پارچه‌های طراز تاریخدار: امویان، عباسیان، فاطمیان^۷ برای موزه نساجی دانشگاه جورج واشینگتون تهیه کرد. در این اثر کونل بررسی‌های تاریخی را بر عهده داشت و بلینگر تزئینات پارچه‌ها را از دیدگاه فنی بررسی کرد. تعداد ۳۹ پارچه از این مجموعه به دوران فاطمیان تعلق دارد که آخرین آن به دوران خلافت حافظ لدین الله

۱. لاری اشنایدر ادمز، درآمدی بر روش‌شناسی هنر، ترجمه شهریار وقفی‌پور (تهران: مینوی خرد، ۱۳۹۴)، ۷۳.

۲. Jerrold Levinson, "Aesthetic Contextualism", *Postgraduate Journal of Aesthetics*, Vol.4, No.3 (2007), 4.

۳. Ernst Kuhnel (1882-1964)

۴. *Islamische Stoff aus Ägyptischen gräbern in der Islamischen Kunst Abteilung Und in der Stoffsammlung des schlossmuseumes*

۵. Ernst Kuhnel, *Islamische Stoff aus Ägyptischen gräbern in der Islamischen Kunst Abteilung Und in der Stoffsammlung des schlossmuseumes* (Berlin: Herausgeben im Auftrage Generaldirektors der staatlichen museen, Verlag Ernst Wasmuth A. G., 1927).

۶. Louisa Bellinger (1900-1968)

۷. *Catalogue of dated Tiraz fabrics: Umayyad, Abbasid, Fatimid*

(حک: ۵۲۶-۵۴۴ق) مربوط می‌شود.^۱

با همت گسٹون ویه^۲ شمار بسیاری از طرازهای اسلامی که تا پیش از آن ناشناخته بودند، در موزه هنرهای اسلامی قاهره تنظیم و در مرکز توجه پژوهشگران قرار گرفتند. او در سال ۱۹۳۵م مقاله‌ای با عنوان «پارچه‌ها و طرازهای موزه عرب در قاهره»^۳ نوشت و در آن به بررسی پارچه‌های اسلامی در موزه هنرهای اسلامی قاهره پرداخت. در این اثر، او رویکردی کاملاً تاریخی در پیش گرفت و جدول‌هایی طراحی کرد که به روشنی پارچه‌های مربوط به هر سلسله و شمار آن‌ها را در موزه هنرهای اسلامی و همچنین شهر محل یافت هر کدام را مشخص کرده است. این جدول‌ها پارچه‌های دوران فاطمیان را نیز در بر می‌گیرد.^۴

در پایان‌نامه‌های دوره تحصیلات تکمیلی و مقالات علمی و پژوهشی متأخر رویکردی تخصصی‌تر در پیش گرفته شده که چهار پژوهش، تمرکز بیش‌تری بر اثر متقابل سیاست و نساجی در دوران فاطمی دارند:

۱- پایان‌نامه دکتری رابرت برترم سرجنت به نام تاریخ منسوجات اسلامی تا زمان فتوحات مغول که نتایج آن در سلسله مقالاتی با همین نام میان سال‌های ۱۹۴۲ تا ۱۹۴۸م منتشر شد، از نخستین پژوهش‌هایی است که در آن به بستر تاریخی و سیاسی منسوجات فاطمی پرداخته شده است. او برای نخستین‌بار پژوهش خویش را بر اساس ترتیب تاریخی و مناطق جغرافیایی فصل‌بندی کرد و در بخش مصر، زیرفصلی را به فاطمیان اختصاص داد و اطلاعات قابل‌توجهی را درباره کارگاه‌های نساجی و انواع پارچه از جمله طراز نقل کرد. او از عزیز بالله (حک: ۳۶۵-۳۸۶ق) به عنوان نخستین خلیفه فاطمی که نام وزیرش را افزون بر نام خود بر پارچه‌های طراز ثبت کرد یاد کرده^۵ و به فرستادن کسوت سپیدبافته مصر برای کعبه از سوی حاکم بامر الله فاطمی (حک: ۴۱۱-۳۸۶ق) نیز اشاره کرده است^۶ این امر نشان می‌دهد چگونه فاطمیان از هنر به عنوان نمادی سیاسی بهره می‌جستند و در مقدس‌ترین مکان عبادی مسلمانان، رنگ سپید را - که شعارشان در برابر رنگ سیاه عباسی بود - به کار بستند. ۲- آیرین ای. بیرمن در سال ۱۹۸۰م با پایان‌نامه دکتری‌اش با عنوان هنر و سیاست: تأثیر استفاده فاطمیان از پارچه‌های طراز به زمینه‌درباری طرازهای فاطمی و اهمیت سیاسی آن‌ها پرداخت و کوشید آن‌ها را به‌عنوان نشانه‌های قدرت و مشروعیت خلفای

1. Ernst Kuhnel and Luisa Bellinger, *Catalogue of dated Tiraz fabrics. Umayyad, Abbasid, Fatimid* (Washington, D. C.: National Publishing Company, 1952).

2. Gaston Wiet (1887-1971)

3. *Tissus et tapisseries du Musée e Arabe du Caire*

4. Gaston Wiet, "Tissus et tapisseries du Musée e Arabe du Caire", *Syria revue d Art et d archeologie*, Tome 16 fascicule 3 (1935): 278-290.

5. Robert Bertram Serjeant, "Material for A History of Islamic Textiles up to the Mongol Conquest". *ARS ISLAMICA*, Vol. XIII-XIV (1948): 110.

6. Idem, 89.

شیعه فاطمی معرفی کند. در بخش‌های پایانی، بیرمن تأثیر استفاده سیاسی فاطمیان از پارچه‌های طراز در پارچه‌های مسیحی - اروپایی را بررسی می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه در سبیل با انتقال طراز از جهان مسلمان به جهان مسیحی، در حقیقت مفهوم نشانه‌ای طرازها به مفهومی نمادین تغییر کرده است.^۱ فریده طالب‌پور در ۱۳۹۵ش در مقاله «کارکردهای طراز در دوره فاطمیان»، به کارکردهای سیاسی، مذهبی، اقتصادی و هنری طرازهای فاطمی پرداخت و شرح داد که در کاربرد سیاسی، خلفای فاطمی نام خود را بر پارچه‌های طراز می‌نگاشتند^۲ و این گونه برای خود مشروعیت سیاسی به دست می‌آوردند.^۳ فریناز فربود و ماه منیر سیاحی در ۱۳۹۶ش در مقاله «بازتاب تشیع در طراحی نقوش منسوجات فاطمیان مصر» به ویژگی‌های شیعی منسوجات فاطمی پرداختند که نشان می‌دهد فاطمیان در قالب استفاده از رنگ سفید، به تقابل سیاسی با پوشش سیاه عباسیان پرداختند.^۴

هرچند این پژوهش‌ها به زمینه‌های سیاسی منسوجات فاطمی پرداخته‌اند، جای پژوهشی متمرکز که به نقش منسوجات در تقابل سیاسی فاطمیان با عباسیان بپردازد، خالی بوده است. از این‌رو، در این مقاله از زاویه‌ای نو به نقش سیاسی منسوجات در دوران فاطمی می‌نگریم.

زمینه‌های سیاسی استفاده از منسوجات

در پایان سده سوم هجری و با ناتوانی عباسیان در تحقق شعارهای علوی‌شان، راه بر شیعیان اسماعیلی هموار شد تا جنبش خود را گسترش دهند و مناسب‌ترین منطقه برای فعالیت آن‌ها شمال آفریقا بود؛ زیرا این سرزمین در آن زمان میان چند گروه متخاصم سنی، شیعه و خارجی تقسیم شده بود و پایگاه اغلییان (۱۸۴-۲۹۶ق) در قیروان و رقاده در تونس امروزی، که آخرین سنگرگاه کارگزاران عباسی در آفریقه بود، به‌طور کامل بر همه منطقه نفوذ نداشت.^۵ از این رو، عبیدالله مهدی (حک: ۲۹۷-۳۲۲ق)، امام شیعیان اسماعیلی که مخفیانه به مبارزه با عباسیان می‌پرداخت، یکی از داعیان کارکشته خود به نام ابوعبدالله شیعی را به منطقه فرستاد تا مقدمات قیام را آماده کند. او توانست از بی‌ثباتی آفریقه و مغرب بهره جوید و گروه بسیاری از بربرهای کُتاه را به کیش اسماعیلی در آورد و آن‌ها را به شکل سپاهی جنگجو سازمان دهد.^۶

1. Irene A. Bierman, "Art and politics: The impact of Fatimid uses of Tiraz fabrics", PhD diss., University of Chicago, 1980, 116.

۲. فریده طالب‌پور، «کارکردهای طراز در دوره فاطمیان»، هنرهای زیبا، هنرهای تجسمی، ۲۱ (۱۳۹۵ش)، ۶۱.

۳. فریناز فربود و ماه منیر سیاحی، «بازتاب مذهب تشیع در طراحی نقوش منسوجات فاطمیان مصر»، مبانی نظری هنرهای تجسمی، ۴ (۱۳۹۶ش)، ۹۵.

4. M. Jonathan Bloom, *Arts of City Victorious: Islamic Art and Architecture in Fatimid Egypt and North Africa* (Singapore: Yale University Press, in association with Institute of Ismaili Studies, 2007), 17.

۵. پل واکر، پژوهشی در یکی از امپراتوری‌های اسلامی: تاریخ فاطمیان و منابع آن، ترجمه فریدون بدره‌ای (تهران: فرزاد روز، ۱۳۸۳ش)، ۲۴-۲۵.

نخستین اقدام او در کاربرد منسوجات برای اهداف سیاسی، نوشتن عبارت "به زودی آن جماعت شکست خورده و به جنگ پشت کنند" از آیه ۴۵ سوره قمر بر پرچم‌های قیام اسماعیلیان بود^۱ که به طور مستقیم عباسیان را هدف قرار داده بود. این امر واکنش شدید اغلییان را در پی داشت. زیاده الله سوم، آخرین حکمران اغلی، برای جنگ با شورشیان اسماعیلی، از گنجینه اجدادش خلعت‌ها و پرچم‌های جواهرنشانی به سرداران و افسران سپاهش داد که مردم تا به آن زمان چنان جامه‌هایی ندیده بودند.^۲ این تنها استفاده سیاسی زیاده الله از منسوجات برای مقابله با اسماعیلیان نبود. از آنجا که ابوعبدالله شیعی توانسته بود بسیاری از شیوخ قبایل منطقه را به سوی خود جلب کند، زیاده الله برای تغییر نظر آن‌ها خلعت‌های گران‌بهایی برای ایشان فرستاد تا مواضع سیاسی آن‌ها را به سود خویش تغییر دهد.^۳ بی‌ثمر بودن این اقدامات عباسیان را بسیار نگران کرد تا آن‌جا که خلیفه برای حفظ سنگرگاه خود در شمال آفریقا، خلعت، زره و پرچم‌هایی را از بغداد روانه رقاده پایتخت اغلییان کرد؛ به این امید که اعتبار سیاسی عباسیان را به منطقه بازگرداند^۴ (جدول ۱).

جدول ۱) استفاده سیاسی عباسیان و کارگزارانش از منسوجات برای مقابله با ابوعبدالله شیعی در آفریقه، دهه پایانی سده سوم هجری، بر اساس کتاب افتتاح الدعوه نوشته قاضی نعمان

اهدای کننده	نوع منسوجات	دریافت کننده
زیاده الله سوم آخرین حاکم اغلی (حک. ۲۹۰-۲۹۷)	جامه خلعت و پرچم‌های جواهر نشان	سران دولت اغلی
زیاده الله سوم	جامه خلعت	ابراهیم بن حبشی، سردار اغلی
زیاده الله سوم	جامه خلعت	هارون الطوبانی، سردار اغلی
هارون الطوبانی، سردار اغلی معاصر زیاده الله سوم	جامه خلعت	زیاده الله الطوبانی، سردار اغلی و برادر هارون الطوبانی
ابراهیم بن حبشی، سردار اغلی	جامه خلعت	شیوخ قبایل منطقه

۱. ابی عبدالله محمد صنه‌اجی، تاریخ فاطمیان: ترجمه کتاب اخبار ملوک بنی عبید و سیرتهم، ترجمه حجت‌الله جودکی (تهران: امیر کبیر، ۱۳۷۸ش)، ۲۵.

2. al-Qadi al-Nu'man, *Founding the Fatimid State. The Rise of an Early Islamic Empire. an annotated English translation of al-Qad- al-Nu'man's Iftitah al-Da'wa*, trans. Hamid Haji (London: I. B Tauris in association with The Institute of Ismaili Studies, 2006), 148.

3. Idem, 129, 136.

4. Idem, 144.

۵. قاضی نعمان، افتتاح الدعوه (بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۲۰۰۵)، ۱۰۴-۱۴۴.

معاصر زیاده‌الله سوم		
زیاده‌الله الطوبانی، سردار اغلی و برادر هارون الطوبانی معاصر زیاده‌الله سوم	جامه خلعت	شیوخ قبایل منطقه
المکتفی بالله خلیفه عباسی (حک. ۲۸۹-۲۹۵ق)	جامه خلعت، لباس رزم و پرچم	زیاده‌الله و مقامات حکومتش

البته این اقدام عباسیان دیگر سود چندانی نداشت و سرانجام زیاده‌الله سوم کاخ خود در رقاده را رها کرد و در رجب ۲۹۶ق به مصر گریخت.^۱ پس از این شهرهای شمال آفریقا یکی پس از دیگری به دست اسماعیلیان گشوده شد و عبیدالله مهدی در ۲۹۷ق پیروزمندانه وارد رقاده شد و از سوی بزرگان شهر مورد استقبال قرار گرفت و به عنوان نخستین خلیفه فاطمی به حکومت رسید.^۲

نوشتن آیات و شعارهایی بر ضد عباسیان بر منسوجات شورشیان اسماعیلی، زمینه‌ساز استفاده سیاسی فاطمیان از منسوجات در رقابت با عباسیان شد. اما عباسیان با بهره بردن از منابع و کارگاه‌های بیش‌تر، به‌طور گسترده‌تری از خلعت‌ها و بیرق‌ها استفاده کردند؛ هرچند با توجه به شدت بحران‌های شمال آفریقا که گریبان‌گیر کارگزاران عباسی بود، این رویکرد آن‌ها ثمری نداشت و اسماعیلیان موفق شدند خلافت فاطمی را بنیان نهند.

تأثیر رقابت سیاسی فاطمیان با عباسیان بر منسوجات فاطمی در آغاز خلافت فاطمی

با تأسیس خلافت فاطمی در شمال آفریقا و دستیابی آن‌ها به قدرت سیاسی، منابع مالی گسترده‌تر و نیز کنترل مراکز تولید پوشاک این امکان برای آن‌ها فراهم شد تا از منسوجات برای رقابت‌های سیاسی با عباسیان بیش‌تر بهره گیرند. مهدی در نخستین اقدام «افرادی را به جرم پوشیدن لباس سیاه که شعار عباسیان بود به زندان افکند».^۳ هرچند عباسیان شمال آفریقا و سیسیل را از دست دادند؛ اما همچنان دامنه قدرت سیاسی و اقتصادی گسترده‌تری نسبت به فاطمیان داشتند. آن‌ها با سلطه بر کارگاه‌های نساجی ایران، عراق، شام و مصر در زمینه تولیدات نساجی برتری چشمگیری بر فاطمیان داشتند و کوشیدند که از این برتری برای گسترش نفوذ سیاسی خود در شمال آفریقا و بی‌اعتبار کردن فاطمیان بهره گیرند و از مخالفان آن‌ها در

1. Bloom, *Arts of City Victorious: Islamic Art and Architecture in Fatimid Egypt and North Africa*, 17-18.

2. Idem, 19.

۳. نگار ذیلایی، فاطمیان: از خشونت تاروداری (تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۹۶ش)، ۴۵.

شمال آفریقا حمایت کردند. عباسیان در فضای بی‌ثبات دوران نخست خلافت فاطمی، برای هر کس که بر آن‌ها شورش می‌کرد منشور و خلعت و علم‌های سیاه می‌فرستادند. امری که حتی فاطمیان را تا مرز نابودی پیش برد (جدول ۲).^۱

جدول ۲) استفاده سیاسی عباسیان از منسوجات برای بازپس‌گیری شمال آفریقا از فاطمیان

تاریخ	منطقه	دریافت‌کننده	نوع منسوجات	خلیفه عباسی
۳۰۰ ق	سیسیل	احمد بن زیادة الله بن قُرهَب از بازماندگان خاندان اغلبی	جامه رسمی و پرچم‌های سیاه به عنوان خلعت	المقتدر بالله (حک: ۲۹۵-۳۲۰ ق)
۳۳۴ ق	افریقیه	یک شورشی که ادعا داشت از بنی عباس است	پرچم‌های سیاه	المستکفی بالله (حک: ۳۳۳-۳۳۸ ق)

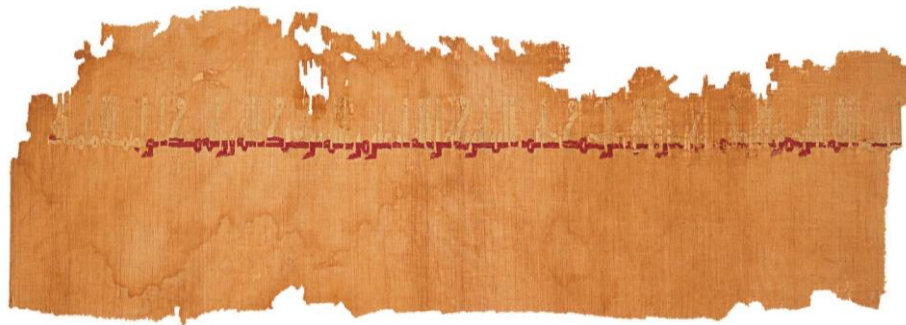
این خلعت‌ها نمادی از نفوذ سیاسی عباسیان در شمال آفریقا بود و قدرت سیاسی فاطمیان را به چالش می‌کشید. به علت بی‌ثباتی و آشوب‌های دوران نخست تأسیس خلافت فاطمی، آن‌ها به بازداشت افراد سیاه‌پوش اکتفا کردند و نتوانستند در زمینه به‌کارگیری منسوجات بر ضد عباسیان اقدامات سیاسی بیشتری انجام دهند. از این رو، دوران خلافت مهدی و پسرش قائم (حک: ۳۲۲-۳۳۴ ق) صحنه قیام سیاه‌پوشان و برافراشتن درفش‌های سیاه عباسی در سیسیل و افریقیه شد. اما با برقراری ثبات نسبی در زمان خلافت منصور (حک: ۳۳۴-۳۴۱ ق) و سرکوب شورش‌ها، فاطمیان به تدریج موفق شدند سیاست‌های پایدار و چشمگیرتری درباره منسوجات در پیش گیرند. هرچند شاید فاطمیان از همان آغاز از رنگ سفید برای پیشبرد اهداف سیاسی خود بهره می‌بردند، به نظر می‌رسد در دوران منصور با تکیه بر این باور که شعار سیاه بدعت عباسیان در اسلام است و باید به سفید، شعار راستین اسلام، بازگشت،^۲ رنگ سفید به‌عنوان شعار رسمی فاطمیان تثبیت شد و او نیز در مراسم گوناگون جامه سفید به تن می‌کرد.^۳ فاطمیان که سرزمین‌های مغرب، افریقیه و سیسیل را در اختیار داشتند، می‌دانستند که برای استفاده بیشتر از منسوجات در رقابت سیاسی با عباسیان باید به کارگاه‌های پیشرفته و پرشمار مصر دست یابند. بنابراین، از همان آغاز حملات خود را به مصر آغاز کردند. هرچند این حملات بی‌حاصل بود، اما فرزند منصور، مُعز (حک:

۱. نک: ابن‌عزازی، البیان المغرب فی اخبار الاندلس و المغرب (بیروت: دار العربیه للکتاب، ۱۹۸۳ق)، ۱۶۸/۱؛ عزالدین علی ابن‌انیر، تاریخ کامل، ترجمه حمیدرضا آژیر (تهران: اساطیر، ۱۳۷۰ش)، ۴۹۷/۱۱.

۲. ابو عبدالله محمد بن احمد مقدسی، احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، ترجمه علینقی منزوی (تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، ۱۳۶۱ش)، ۳۴۱/۱.

۳. صنهاجی، تاریخ فاطمیان: ترجمه کتاب اخبار ملوک بنی عبید و سیرتهم، ۶۱.

۳۶۵-۳۴۱ق) موفق شد حتی پیش از فتح کامل مصر بر برخی از کارگاه‌های طراز مصر دست یابد. طرازی که نام معز را دارد و سال ۳۵۵ق و مکان مصر بر آن ثبت شده است، این امر را به خوبی نشان می‌دهد^۱ (تصویر ۱)^۲. همچنین او که توجه ویژه‌ای به تبلیغات فرامرزی کیش اسماعیلی داشت و سازمان دعوت را بسیار گسترش داده بود، توانست در ۳۴۷ق توسط یکی از داعیان، مؤلتان هند^۳ را از سیطره خلافت عباسی درآورد^۴ و برای نخستین بار پرچم‌های فاطمی که نام معز را بر خود داشت،^۵ در دورترین نقطه خلافت عباسی برافراشته شد^۶ که سرآغازی بر بهره‌برداری سیاسی فاطمیان از منسوجات در داخل سرزمین‌های خلافت عباسی بود.



تصویر ۱) طراز دوران المعز از کتان سفید و با نوشته ابریشم سرخ که عبارت شیعی "درود بر خاندان او" را در بر دارد، مصر، سده چهارم هجری. با فروکش کردن آشوب‌ها و تثبیت خلافت فاطمی در شمال آفریقا، سیاست‌های مشخص‌تری درباره کاربرد منسوجات برای رقابت با عباسیان در پیش گرفته شد و رنگ سفید به عنوان شعار رسمی فاطمیان در برابر شعار سیاه عباسی تثبیت شد. حتی فاطمیان توانستند بر بعضی از کارگاه‌های طراز در مصر دست یابند^۷ و نام خود را بر پارچه‌های طراز ثبت کنند و برای نخستین بار پرچم فاطمی با نام خلیفه در سرزمین‌های خلافت عباسی برافراشته شد.^۸

۱. ذیلایی، فاطمیان: از خشونت تا رواداری، ۷۹.

۲. (موزه آقا خان: AKM670) <https://agakhanmuseum.org/collection/artifact/tiraz-textile-with-red-inscription-akm670>

۳. بخشی از کشور پاکستان.

4. Farhad Daftary, "The Ismaili Da'wa outside the Fatimid Dawla" in *L'Egypte Fatimide. son art et son histoire*, ed. Marianne Barrucand (Paris: Press de L universite de Paris-Sorbonne, 1999), 33.

5. Heinz Halm, *The Empire of Mahdi: the rise of Fatimids*, trans. Michael Bonnar (Leiden: Brill, 1996), 389.

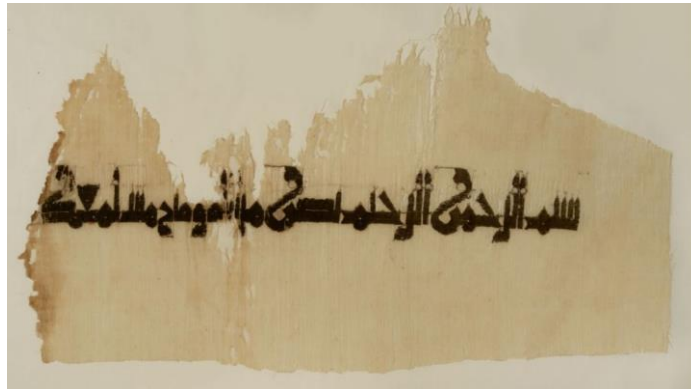
۶. تا حمله سلطان محمود غزنوی به مولتان در سال ۳۹۹ق خطبه فاطمی در آن دیار برقرار بود.

۷. ذیلایی، فاطمیان: از خشونت تا رواداری، ۷۹.

8. Daftary, "The Ismaili Da'wa outside the Fatimid Dawla", 33.

تأثیر رقابت سیاسی فاطمیان با عباسیان بر منسوجات فاطمی در دوران شکوه خلافت فاطمی

با فتح مصر به دست معز در ۳۵۸ق و تسلط فاطمیان بر راه‌های تجاری و کارگاه‌های نساجی پرآوازه آن سرزمین فصل نوینی در کاربرد سیاسی منسوجات در رقابت با عباسیان آغاز شد. تثبیت ارکان سیاسی و اقتصادی فاطمیان در شمال آفریقا، زمینه را برای دست‌یابی بر مصر فراهم ساخت و معز موفق شد تا منسوجات را در سطح گسترده‌تری بر ضد عباسیان به کارگیرد و بسترهای نوینی برای استفاده سیاسی منسوجات پدید آورد؛ تا جایی که این امر نقش کلیدی در فتح مصر بازی کرد. او برای نخستین بار سازمان دعوت را برای پر رنگ کردن نقش سیاسی منسوجات در رقابت با عباسیان به کار گرفت و پیش از آنکه سردار خود، جوهر صِقلی را مامور فتح مصر کند، پرچم‌های فاطمی را میان داعیان پخش کرد و دستور داد تا آن‌ها را میان مردم مصر و کسانی که دعوت اسماعیلی را پذیرفته‌اند، پخش کنند و به آن‌ها بیاموزند که در هنگام ورود سپاهیان فاطمی به مصر، مردم پرچم‌هایشان را به نشانه حمایت آشکار کنند.^۱ بنابراین، مصر به آسانی و با همکاری مردم و بزرگان آن دیار فتح شد و جوهر پس از چند برخورد نظامی محدود با سپاهیان اخشیدی (۳۲۳-۳۵۸ق) که هوادار عباسیان بودند، در شعبان ۳۵۸ق پیروزمندانه وارد فسطاط شد؛ در حالی که بسیاری از مردم پرچم‌های فاطمی را که نام معز را بر خود داشت، بر سردر خانه‌ها آویزان کرده بودند^۲ (تصویر ۲).^۳



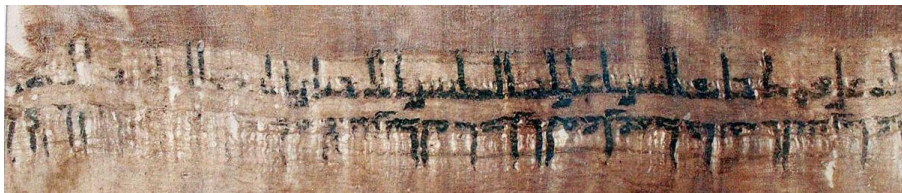
تصویر ۲) طراز دوران معز از کتان سفید و با نوشته ابریشم که نام معز را بر خود دارد، مصر، سده چهارم هجری.

۱. ذیلایی، فاطمیان: از خشونت تا رواداری، ۷۹.

۲. احمد بن علی مقریزی، اتعاض الحنفاء باخبار الامة الفاطميين الخلفاء (قاهره: وزارة الاوقاف. المجلس الاعلى للثلاثون الاسلاميه. لجنة احیاء التراث الاسلامی، ۱۹۹۶)، ۱۱۰/۱.

۳. (موزه دامپارتون اُکس): BZ.1933.14 (BZ.1933.14) <https://www.doaks.org/resources/textiles/catalogue/BZ.1933.14>

فاطمیان پس از تسلط بر مصر مردم را از پوشش سیاه نهی کردند و اذان را به شیوه شیعیان تغییر دادند.^۱ مصر فاطمی با داشتن شهرهای مهمی چون تنیس، دمیاط و ابوصیر از مهم‌ترین و بزرگ‌ترین تولیدکنندگان پارچه و لباس در زمان خویش بود. بنابراین، فتح مصر سبب برتری فاطمیان بر عباسیان در صنعت نساجی شد. کشاورزی پیشرفته و مسیرهای تجاری آن که سه قاره آسیا، آفریقا و اروپا را به هم پیوند می‌داد از یک سو و تهیه مواد اولیه از سوی دیگر امکان صادرات و واردات انواع منسوجات را فراهم می‌ساخت؛ از این رو، یعقوب بن کلس، نخستین وزیر فاطمی، مالیات سنگینی بر طراز بست و کارگران را به کار سخت واداشت.^۲ در نتیجه، فاطمیان درآمدهای هنگفتی از کارگاه‌های نساجی مصر به دست آوردند که برای رقابت با عباسیان به آن نیاز داشتند. معز اندکی پس از فتح مصر، به تقلید از عباسیان خزانه الکسوات بزرگی را در کاخش بنا کرد که بخش‌های گسترده‌ای داشت و خلعت‌ها و جامه‌های تابستانی و زمستانی مورد نیاز دستگاه خلافت فاطمی را تأمین می‌کرد^۳ (تصویر ۳).^۴



تصویر ۳) طراز فاطمی از کتان سفید و با نوشته ابریشم که عبارت شیعی «صلوات الله علیه و علی آبائه الطاهرین» را بر خود دارد، مصر، سده چهارم هجری.

در دوران تسلط معز بر مصر، خلافت عباسی رو به افول گذاشت و همین امر استفاده سیاسی آن‌ها از منسوجات بر ضد فاطمیان را به گونه چشمگیری کاهش داد؛ زیرا از چندی پیش سلسله شیعه‌مذهب ایرانی آل بویه (۳۲۲-۴۴۸ق) بغداد را در سیطره خود درآورده و قدرت سیاسی خلفای عباسی را بسیار محدود کرده بود. با ضعف عباسیان عده‌ای از سادات و شیعیان در موکب خلیفه از پوشیدن جامه سیاه خوداری کردند. محمد بن عمر بن یحیی علوی معروف به شریف ابوالحسن علوی کوفی، پیشوای طالبیان در بغداد برای نخستین بار در سرای مطیع (حک: ۳۳۴-۳۶۴ق) جامه سفید به تن کرد^۵ که در عمل یک پیروزی سیاسی برای فاطمیان در دربار عباسیان بود. از دست رفتن مصر، مرکز مهم نساجی عباسیان، نیز تولیدات

۱. محمدجواد مغنیه، امیر مؤمنان و آذربایجان و دولت‌های شیعه در تاریخ، ترجمه محمد آیت‌اللهی (تبریز: روزنامه مهد آزادی، ۱۳۴۶ش)، ۱۱۳-۱۱۴.

۲. ابوالقاسم ابن حوقل، صورة الارض (لیدن: بریل، ۱۹۳۸)، ۱۵۳/۱.

۳. احمد بن علی مقریزی، پندها و عبرت‌ها از بناها و آثار تاریخی مصر، ترجمه خطط مقریزی، ترجمه پرویز اتابکی و محمدرضا عطایی (مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۹۷ش)، ۳۰۲/۴.

۴. (موزه هنر اسلامی مُستتیر: T001)

http://islamicart.museumwnf.org/database_item.php?id=object;ISL:tn;Mus01_B;50;en&pageT=N

۵. هلال بن مُحسن صابی، رسوم دارالخلافة: نقش آیین‌های ایرانی در نظام خلافت اسلامی، ترجمه محمدرضا شفیعی کلکنی (تهران: کارنامه، ۱۳۹۶ش)، ۸۱.

نساجی عباسی را از نظر کیفی و کمی کاهش داد؛ همچنین عباسیان مجبور شدند تا برای تامین مخارج جنگ با رومیان و بیرون راندن آن‌ها از شمال عراق در ۳۶۲ق، بخشی از پوشاک کاخ‌های خود را بفروشند^۱ که نه تنها دست آن‌ها را در زمینه منسوجات تنگ‌تر کرد؛ بلکه بعضی از این منسوجات تاریخی مهم چون ردای خز سیاه هارون الرشید، خلیفه مشهور عباسی، سر از کاخ‌های فاطمی درآورد.^۲ تنها اقدام سیاسی عباسیان در زمینه منسوجات، حمایت از یکی از طرفداران‌شان به نام شریف ابوالقاسم بن ابی‌یعلی هاشمی در دمشق بود که چندی پس از ورود سپاهیان فاطمی به دمشق در ۳۵۹ق قیام کرد و جامه سیاه عباسی به تن کرد و خطبه به نام مطیع عباسی خواند.^۳

هرچند تلاش‌های معز برای فتح شام و حجاز موفقیت‌هایی را در پی داشت؛ اما در زمان خلافت فرزندش عزیز (حک: ۳۶۵-۳۸۶ق) بود که قدرت فاطمیان در شام و حجاز تثبیت شد و اثر مهمی بر نقش سیاسی منسوجات در رقابت سیاسی فاطمیان با عباسیان گذاشت. فاطمیان در سطوح گسترده‌تری چون دیپلماسی و زمینه‌های مذهبی - سیاسی نیز از منسوجات بر ضد عباسیان استفاده کردند و حتی رنگ سفید را فراتر از شعار خود به نماد سیاسی سادات و شیعیان در سرزمین‌های اسلامی تبدیل کردند (تصویر ۴)^۴ که پیروزی بزرگی برای آن‌ها بود. تسلط بر شام، رویارویی دو قدرت شیعه فاطمی و آل‌بویه را سبب شد. هم‌زمان با تثبیت قدرت فاطمیان در دمشق، البتکین، سردار آل‌بویه از بغداد به شام آمد تا به نام طائع عباسی (حک: ۳۶۴-۳۸۱ق) بر شام حکومت کند. اما سپاهیان فاطمی پیشروی وی را در ۳۶۷ق متوقف کردند.^۵ عزیز از این فرصت برای نزدیک‌تر شدن به آل‌بویه بهره گرفت و با دادن خلعت‌های فاطمی (تصویر ۵)^۶ به البتکین و افسر ارشد او علی بن اسحاق بن ابراهیم، او را به حکومت دمشق برگزید.^۷ با دادن خلعت به وی نه تنها یکی از کارگزاران عباسی را زیر پرچم فاطمی آورد بلکه باب گفت‌وگوهای دیپلماتیک با عضدالدوله دیلمی (حک: ۳۳۸-۳۷۲ق) نیز گشوده شد^۸ که به نزدیک‌تر شدن این دو دولت شیعه به

۱. محمدعلی جلونگر، «روابط و مناسبات آل‌بویه و فاطمیان»، در مجموعه مقالات نخستین همایش ملی ایران‌شناسی: مقالات سیاست، مدیریت و روابط بین‌المللی ایران (تهران: بنیاد ایران‌شناسی، ۱۳۸۳ش)، ۲۱۵.

۲. مقریزی، پندها و عبرت‌ها از بناها و آثار تاریخی مصر، ترجمه خطط مقریزی، ۳۲۰/۴.

۳. ابن‌اتیر، تاریخ کامل، ۵۱۳۰/۱۲.

۴. (موزه هنر لس آنجلس: M.2002.1.30)

http://islamicart.museumwnf.org/database_item.php?id=object;EPM;us;Mus21;2;en&pageT=N

۵. ابن‌اتیر، تاریخ کامل، ۵۱۹۶/۱۲.

۶. (موزه متروپولیتن: 31.106.63) <https://www.metmuseum.org/art/collection/search/448646>

۷. حافظ ابرو و دیگران، مجمع التواریخ سلطانیه، به‌کوشش محمد مدرس (زنجان): (تهران: اطلاعات، ۱۳۶۴ش)، ۱۳۸.

۸. رشیدالدین فضل‌الله، جامع التواریخ: قسمت اسماعیلیان و فاطمیان و نزاریان و داعیان و رفیقان، به‌کوشش محمدتقی دانش‌پژوه و محمد مدرس (زنجان): (تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۸۸ش)، ۳۵.

یکدیگر انجامید. در نتیجه، خلفای سنی عباسی در موقعیت سیاسی ضعیف‌تری قرار گرفتند و تنش میان خلافت فاطمی و عباسی به طور چشمگیری کاهش یافت.

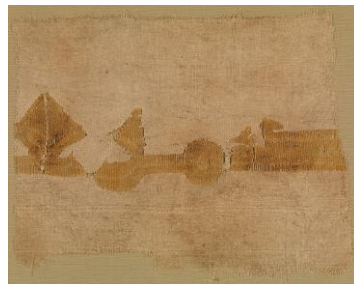


شکل ۴. طراز دوران عزیز از کتان سفید و با نوشته ابریشم که عبارت شیعی "صلوات الله علیه و علی ابانه الطاهرین" را بر خود دارد. مصر، سده چهارم هجری.



تصویر ۵. طراز دوران عزیز از کتان و با نوشته ابریشم که عبارت شیعی "علی ولی الله" را بر خود دارد، مصر، سده چهارم هجری.

پس از آنکه خلافت فاطمی از سوی شهرهای مقدس حجاز به رسمیت شناخته شد، کسوت سیاه کعبه که از آن عباسیان بود؛ جای خود را به کسوت سفید فاطمی داد.^۱ حتی پرچم‌های سفیدی را در مرزهای حرم قرار دادند^۲ تا تبلیغی سیاسی برای زائران و مسافرانی باشد که از جاده‌های طائف، یمن و عراق به مکه می‌آمدند. این امر پیروزی بزرگ و نقطه عطفی برای فاطمیان در کاربرد منسوجات برای رقابت سیاسی- مذهبی با عباسیان بود. بدین‌سان، مقدس‌ترین مکان عبادی و مذهبی مسلمانان جهان در جامه سفید فاطمیان درآمد و زائران کعبه که از عراق عباسی به مکه می‌رفتند، با پرچم‌های سفید فاطمی روبه‌رو می‌شدند که نقش تبلیغاتی قدرتمندی برای فاطمیان داشت (تصویر ۶).^۳



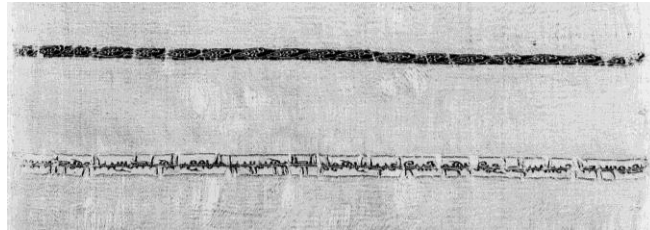
تصویر ۶. بخشی از یک پرچم سفید کتان با نوشته‌های کوفی مربوط به دوره فاطمی، مصر، سده چهارم هجری.

۱. ناصر خسرو، سفرنامه حکیم ناصر خسرو، به‌کوشش محمد دبیرسیاقی (تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۵۴ش)، ۱۳۳.

۲. مقدسی، احسن التقاسیم فی معرفة الأقالیم، ۱۱۲/۱.

۳. (موزه متروپولیتن: 2015.796.2) <https://www.metmuseum.org/art/collection/search/698580>

در این دوره خلفای عباسی که در ضعف به سر می‌بردند، نتوانستند در برابر استفاده سیاسی فاطمیان از منسوجات، کاری از پیش ببرند و همچنان عده‌ای از سادات و شیعیان چون سیدرضی، بزرگ خاندان علوی، به جای جامه سیاه، آشکارا جامه سفید به تن می‌کردند^۱ که از نظر سیاسی موفقیتی برای فاطمیان به شمار می‌رفت. حاکم (حک: ۳۸۶-۴۱۱ق) فرزند عزیز، از تسلط آل بویه بر عراق و ضعف خلفای عباسی بهره برد و فعالیت داعیان در عراق و جنوب آناتولی را افزایش داد تا جایی که در مناطقی چون دیاربکر، سنجار، جزیره، کوفه، مداین^۲ و موصل^۳ خطبه به نام او خوانده و از او منشور و خلعت (تصویر ۷)^۴ گرفتند^۵ (جدول ۳).^۶



تصویر ۷) طراز دوران حاکم از کتان سفید و با نوشته ابریشم که عبارت شیعی "صلوات الله علیهما و علی ابائهما الطاهرین" را در بر دارد، مصر، سده پنجم هجری.

جدول ۳) خلعت‌های حاکم فاطمی برای والیان عباسی

دریافت کننده	نوع خلعت	منطقه	تاریخ
قرواش بن المقد عقیلی	قبای دبیقیه، پیراهن دبیقی سفید، دستار زرد، شلوار و کفش - های سرخ	موصل	۴ محرم ۴۰۱ ق
نصرالدوله ابونصر احمد بن مروان	خلعت‌های تنیس و دمباط	میافارقین، دیار بکر	میان سال‌های ۴۰۲ تا ۴۱۱ ق

۱. صابی، رسوم دارالخلافه: نقش آیین‌های ایرانی در نظام خلافت اسلامی، ۱۷۳.

۲. علی بن محمد کاشانی، زبدة التواریخ (تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۶ش)، ۹۴.

۳. ابنی عقیل از پایان سده چهارم تا سده پنجم بر موصل حکمرانی می‌کرد و در دوره خلافت حاکم فاطمی با فاطمیان بیعت کردند.

۴. (موزه هنرهای زیبای بوستون: ۳۷/۴۴۳)

Nancy Pence Britton, *A study of some early Islamic textiles in the Museum of fine arts Boston* (Massachusetts: Museum of fine art Boston, 1938), 55.

5. Paul E. Walker, *Orations of the Fatimid Caliphs. Festival Sermons of the Ismaili Imams* (London: I. B Tauris in association with The Institute of Ismaili Studies, 2009), 138.

۶. نک:

Walker, *Orations of the Fatimid Caliphs. Festival Sermons of the Ismaili Imams*, 4; Abbas H. al-Hamdani, *The Sira of al-Mu'ayyad fi d-Din ash-Shirazi* (PhD diss., The University of London, 1950), 65.

حاکم عقیلی با خلعت‌های فاطمی (تصویر ۸)^۱ در میان مردم موصل حاضر شد و خطبه‌ای را که حاکم برایش فرستاده بود، خواند.^۲ هرچند در دوران تسلط آل بویه بر خلفای عباسی تنش با فاطمیان کاهش یافته بود؛ اما خطبه خواندن حاکمان شهرهای عراق با جامه سفید به نام خلفای فاطمی، خطر بزرگی برای عباسیان و کارگزاران شان بود. بنابراین، سپاهیان آل بویه قرواش را سرکوب کردند و خلیفه عباسی قادر (حک: ۳۶۶-۴۲۲ق) که نمی‌توانست مشروعیت سیاسی فاطمیان را در داخل سرزمین‌های خود تحمل کند، در سال ۴۰۲ق دستور داد سندی بسازند که در آن نسب علوی فاطمیان را انکار کنند و بزرگان را مجبور کرد تا به آن گواهی دهند. این سند در منابع عراق خوانده شد.^۳



تصویر ۸) طراز فاطمی از کتان سفید و با نوشته ابریشم که عبارت شیعی "علی ولی الله" را در بر دارد، مصر، سده پنجم هجری.

ضعف روزافزون خلفای عباسی و اقدامات خلفای پیشین فاطمی در گسترش کاربرد سیاسی منسوجات، به ظاهر، هفتمین خلیفه فاطمی (حک: ۴۱۱-۴۲۷ق) اجازه داد تا برای رقابت با عباسیان منسوجات را در دورترین نقاط به کار گیرد. بنابراین، در دوران خلافت او استفاده نمادین از منسوجات در عرصه بین‌المللی افزایش چشمگیری داشت. او برای تأمین خلعت‌ها و پرچم‌های سفید فاطمی که نه تنها در داخل حکومت بلکه به طور فزاینده‌ای در خارج نیز به کار می‌رفت، به نیروی کار، مراکز تولید و نگهداری و سازماندهی بیشتری نیاز داشت. از این رو، افزون بر خزانه الکسوات، خزانه بنود^۴ را نیز برای تولید و نگهداری پرچم‌ها (تصویر ۹)^۵ و جامه‌ها در کاخش تاسیس کرد که بیش از سه هزار نفر در آن کار می‌کردند.^۶

۱. (موزه ویکتوریا و آلبرت: 2104-1900) <https://collections.vam.ac.uk/item/O261821/woven-linen-silk/>

2. Walker, *Orations of the Fatimid Caliphs. Festival Sermons of the Ismaili Imams*, 138.

۳. مقریزی، پندها و عبرت‌ها از بناها و آثار تاریخی مصر، ترجمه خطط مقریزی، ۱۰۳/۴.

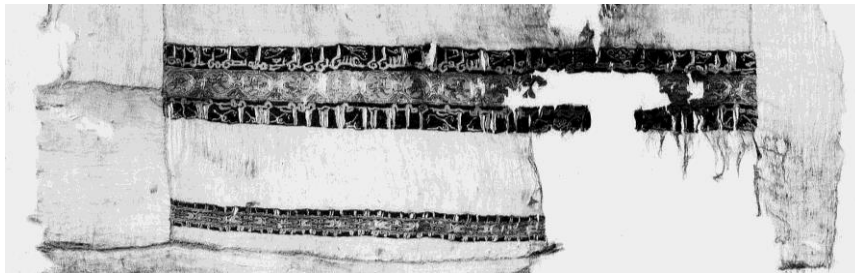
۴. به نوشته مقریزی، بنود همان بیرق‌ها و علم‌ها بود و خلیفه ظاهر این گنجینه را که مشتمل بر مقادیر زیادی پرچم، علم و ادوات جنگی بود، بنا کرد. او بیش از سه هزار صنعتگر ماهر در انواع صنایع را در آن جا به کار گرفته بود. او افزوده است که در روزگار وی، بنود را «عصائب سلطانی» می‌گفته‌اند (مقریزی، همان، ۳۴۵/۴؛ زکی محمدحسن، کنوز الفاطمیین (گنجینه فاطمیان)، ترجمه ندا گلیجانی مقدم، تهران: دانشگاه الزهراء، ۱۳۸۲ش، ۷۳-۷۲).

۵. (موزه اشمولین: 137 (EA1984.137) <http://jameelcentre.ashmolean.org/object/EA1984.137>

۶. مقریزی، همان‌جا.



تصویر ۱۰) طراز دوران الظاهر از کتان ابریشم دوزی شده که عبارت شیعی "علی ولی الله" را در بر دارد و احتمالاً از آن به عنوان خلعت استفاده می شده است. مصر ، سده پنجم هجری.



تصویر ۱۱) طراز دوران الظاهر از کتان ابریشم دوزی شده که عبارت شیعی "علی ولی الله" و عبارت قرآنی "نصر من الله و فتح قریب" را در بر دارد و احتمالاً از آن به عنوان خلعت استفاده می شده است. مصر ، سده پنجم هجری.



تصویر ۱۲) طراز دوران الظاهر از کتان ابریشم دوزی شده که عبارت شیعی "علی ولی الله" را در بر دارد و احتمالاً از آن به عنوان خلعت استفاده می شده است. مصر ، سده پنجم هجری.

هرچند فاطمیان توانستند با استفاده از نقش نمادین پوشاک و منسوجات چهره خود را بهبود بخشند و حتی در بخش‌هایی از قلمرو عباسی، شعار سفید خود را مشروعیت بخشند، اما توجه به شرق آن‌ها را از مغرب غافل کرد. معز بن بادیس، حاکم زیری و کارگزار فاطمیان در افریقیه و مغرب با بهره‌گیری از این وضع در ۴۳۵ ق نام مستنصر (حک: ۴۲۷-۴۸۷ ق) را از پارچه‌های طراز و پرچم‌ها برداشت^۱ (تصویر ۱۳)^۲. قائم عباسی (حک: ۴۲۲-۴۶۷ ق)، از راه قسطنطنیه برای او اسب، شمشیر، منشور، خلعت و پرچم‌ها فرستاد. گویند پرچم‌های سیاه عباسی در آدینه رسید و آن‌ها را هنگامی به مسجد آوردند که خطبه دوم نماز آدینه خوانده می‌شد؛ خطیب پرچم‌های سیاه عباسی را نشانه قدردانی خلیفه و نماد وحدت مسلمانان سنی خواند. پس پرچم‌های سفید فاطمی به آتش کشیده شد و افریقیه و بخش‌های دیگر مغرب برای همیشه از خلافت فاطمی جدا شد.^۳



تصویر ۱۳) طراز کتان دوره مستنصر با زمینه سفید و عبارت شیعی "علی و الی الله" و عبارت قرآنی "تصر من الله". مصر، سده پنجم هجری.

بدین‌سان، عباسیان پس از سال‌ها افول دوباره شعار سیاه خود را در افریقیه و مغرب برقرار کردند و با سوزاندن پرچم‌های سفید فاطمی، ضربه‌ای سخت به اعتبار سیاسی آن‌ها وارد کردند. چندی پس از تغییر سیاسی در مغرب، تحولی بزرگ‌تر در شرق، فاطمیان را تهدید کرد. قائم عباسی که موفق شده بود مغرب را از دست فاطمیان درآورد، بیش‌ازپیش برای مقابله با حکومت‌های شیعه مصمم شد و دیگر سلطه آل‌بویه و دست‌اندازی‌های فاطمیان را برنمی‌تابید. بنابراین، از ضعف آل‌بویه استفاده کرد و به توصیه رئیس‌الرؤسای خود ابن‌سلمه، طغرل بیک سلجوقی را که سرداری سنی بود به بغداد دعوت کرد. مستنصر فاطمی که

۱. مقریزی، اتعاض الحنفاء باخبار الامه الفاطمیین الخلفاء، ۲/۲۱۶.

2. O' Kane, "The Egyptian Art of the Tiraz in Fatimid Times", 186.

۳. ابن‌اثیر، تاریخ کامل، ۱۳/۵۷۶۵.

خلافت خود را هم از سوی شرق و هم از سوی غرب در تهدید می‌دید، برای نجات خلافتش، راه تهاجم به بغداد را انتخاب کرد. بنابراین، در سال ۴۴۸ ق مؤید فی‌الدین شیرازی، داعی ایرانی، را که بر اوضاع ایران و عراق اشراف داشت، به منطقه فرستاد تا هواداران فاطمی را بر ضد عباسیان بسیج و بساسیری، سردار ترک شورشی، را برای فتح بغداد آماده کند.^۱ هر چند فاطمیان مغرب را از دست داده و با بحران و قحط روبه‌رو بودند، با داشتن کارگاه‌های نساجی مصر هنوز در زمینه نساجی بر عباسیان برتری داشتند. بنابراین، مستنصر از این برتری استفاده کرد و از یک سو برای جلب نظر حاکمان و سپاهیان شورشی منطقه و از سوی دیگر، برای نمایش قدرت سیاسی فاطمیان در بغداد، خلعت‌ها و پرچم‌های سفید بسیاری را به مؤید داد تا به موقع از آن‌ها استفاده کند.

مؤید در سال ۴۴۸ ق در رأس کاروانی از سلاح، سپاهیان و خلعت‌های خلیفه فاطمی از راه شام رهسپار عراق شد.^۲ از آن‌جا که مدتی بود مرداسیان (۴۱۴-۴۷۲ ق) در حلب دست به نافرمانی می‌زدند، مؤید برای عبور از شام به شمال بن صالح بن مرداس، خلعت مستنصری داد و او دوباره فرمان‌بردار فاطمیان شد.^۳ سرانجام سپاهیان مؤید و بساسیری در دارالرحبه نزدیک شهر المیادین به هم رسیدند و مؤید با تشریفات ویژه، خلعت‌های مستنصری را به بساسیری و سپاهیان داد. به گفته مؤید، آن‌ها از برتری کیفیت خلعت‌های فاطمی بر عباسی شگفت‌زده شدند^۴ که نشان می‌دهد با همه مشکلات دامنگیر فاطمیان، منسوجات عباسی قابل رقابت با تولیدات فاطمی نبوده‌اند. پس از این، آن‌ها راه بغداد در پیش گرفتند که در این میان برخی از شهرهای عراق یا به زور سپاهیان یا به دست هواداران فاطمی از دست عباسیان خارج شد و پرچم‌های سفید در شماری از شهرهای عراق برافراشته شد (جدول ۴).^۵

جدول ۴) نقش سیاسی منسوجات فاطمی در فتح بغداد

دریافت کننده خلعت	سمت	نوع منسوجات
بساسیری	سردار ترک فاطمی در عراق	پرچم برای کلاه‌خود، پرچم بزرگ سفید، خلعت مستنصری
سردار کرد	از سپاهیان بساسیری	خلعت مستنصری
سردار عرب	از سپاهیان بساسیری	خلعت مستنصری

1. al-Hamdani, *The Sira of al-Mu'ayyad fi d-Din ash-Shirazi*, 7.

2. Idem, 59.

3. Idem, 64.

4. Idem, 68-69.

۵. نک: ابن اثیر، تاریخ کامل، ۵۸۸۵-۵۸۶۵/۱۳؛ چلونگر، «روایط و مناسبات آل‌بویه و فاطمیان»، ۲۱۹؛

al-Hamdani, *The Sira of al-Mu'ayyad fi d-Din ash-Shirazi*, 68-74.

خلعت مستنصری	از سپاهیان بساسیری	جابر بن ناشب
خلعت مستنصری	از سپاهیان بساسیری	ابو فتح بن وزام
خلعت مستنصری	از سپاهیان بساسیری	نصیر بن عمر
خلعت مستنصری	از سپاهیان بساسیری	محمد بن حماد
خلعت مستنصری	حاکم موصل	قریش بن بدران
خلعت مستنصری	برادر قریش	مُقیل بن بدران
خلعت مستنصری	حاکم جله	نورالدوله دُبیس
جامعه سفید، پرچم سفید	حاکم واسط	علاء الدین ابو الغانم بن مَحَلبان

بساسیری در سال ۴۵۰ ق پیرومندان وارد بغداد شد. این رویداد اوج بهره‌برداری سیاسی فاطمیان از هنر و صنعت نساجی پیشرفته مصر بود که برتری کیفیت‌شان بر خلعت‌های گران‌بهای عباسی مردم را شگفت زده کرده بود (تصویر ۱۴).^۱ مستنصر حاضر شد هزینه‌های هنگفتی پرداخت کند تا بهترین منسوجات گران‌بهای تَنیس و دمیاط در قالب درفش، پرچم، کلاخود و جامه‌های گران‌بها روانه عراق شوند و بغداد، قلب خلافت عباسی، سفید پوش شود و نماد چیرگی سیاسی فاطمیان بر عباسیان باشد. طرازهای دوران مستنصر نشان می‌دهد که او احتمالاً حتی از نوشتن شعارهای شیعی مانند «علی ولی‌الله» بر خلعت‌هایی که روانه بغداد شد، برای به چالش کشیدن بیش از پیش مشروعیت عباسیان بهره برده است (تصویر ۱۵).^۲ این تنها موفقیت فاطمیان در این عرصه نبود. بساسیری برای تحقیر وزیر عباسی، جبه صوف و پوست گاو بر او پوشاند^۳ و پس از بازداشت قائم عباسی منسوجات گران‌بهای او را - که نماد قدرت سیاسی عباسیان بود - به نشانه تسلیم روانه مصر کرد (جدول ۵).^۴



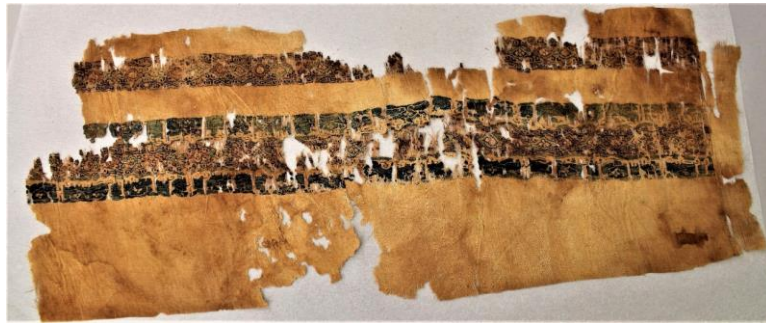
تصویر ۱۴ طراز دوران مستنصر با عبارت شیعی "صلوات الله علیه و علی ابانه الانمه الطاهرین"، مصر، سده پنجم هجری.

۱. (موزه ویکتوریا و آلبرت: ۱۳۸۱-۱۸۸۸) <https://collections.vam.ac.uk/item/O261797/textile-fragment-unknown>

۲. (موزه ویکتوریا و آلبرت: ۱۳۴-۱۸۹۶) <http://collections.vam.ac.uk/item/O98743/tiraz-tiraz-unknown/>

۳. کاشانی، زبده التواریخ، ۱۰۸.

۴. نک: مقریزی، اتعاط الحنفاء باخبار الاممه الفاطمیین الخلفاء، ۲۵۳/۲؛ همو، پندها و عبرت‌ها از بناها و آثار تاریخی مصر، ترجمة خطط مقریزی، ۱۲۵/۴. Ghada Hijjawi Qaddumi, *A medieval Islamic book of gifts and treasures. Translation, annotation, and commentary on the "Kitab al-Hadaya wa al-Tuhaf"*, PhD diss., Harvard university, 1990, 201-202.



تصویر ۱۵) طراز دوران مستنصر، مصر، سده پنجم هجری.



تصویر ۱۵) نمایی دقیق‌تر از بخشی از تصویر ۱۵، عبارت شیعی "علی ولی الله"

جدول ۵) اهمیت سیاسی منسوجات عباسی که به تملک فاطمیان درآمد

منسوجات	اهمیت سیاسی
بُرد رسول خدا (ص)	نماد مشروعیت خلافت عباسی
مندیل، ردا، و پیراهن سیاه القائم بامرالله	نماد قدرت سیاسی عباسی
ردای خز سیاه خطیب بغداد	نماد اطاعت و فرمان‌برداری مردم از عباسیان

بنابراین، منسوجات یادشده که از مهم‌ترین نمادهای مذهبی و سیاسی عباسیان بودند، به دست فاطمیان افتاد. همچنین قائم استعفانامه‌ای نوشت و به مصر فرستاد که در آن اعتراف کرده بود با وجود اولاد فاطمه (س)، عباسیان هیچ حقی در حکومت ندارند.^۱ نقش منسوجات در این رویداد سیاسی آنچنان اهمیت

۱. مقریزی، پندها و عبرت‌ها از بناها و آثار تاریخی مصر، ترجمه خطط مقریزی، ۴۰/۴.

داشت که در ادبیات آن روزگار نیز انعکاس یافت و هواداران فاطمیان چون ناصر خسرو که یک داعی اسماعیلی بود، در وصف این پیروزی شعری سرود که در آن به جایگزین شدن شعار سفید به جای جامه سیاه عباسی اشاره کرد.^۱

اما تنها پس از خواندن چهل خطبه به نام مستنصر، طغرل خلیفه عباسی را از بند رهانید و در ۴۵۱ق وارد بغداد شد.^۲ بنابراین، آخرین تلاش مستنصر برای گریز از فشارهای سیاسی و جلوگیری از پیشروی سلجوقیان سرانجامی نداشت و پس از شکست فاطمیان در بغداد، دوران اوج بهره‌برداری سیاسی فاطمیان از منسوجات به پایان رسید و خلافت آن‌ها در سرایش فروپاشی قرار گرفت.

تأثیر رقابت سیاسی فاطمیان با عباسیان بر منسوجات فاطمی در دوران پایانی خلافت فاطمی

اندکی پس از شکست فاطمیان در بغداد، خلافت مستنصر با بحران‌های گسترده داخلی و قحط و خشک‌سالی روبه‌رو شد که از ۴۵۷ تا ۴۶۴ق ادامه یافت^۳ و به دوران فتنه شهرت یافت. در این دوران سخت که فاطمیان بیش‌تر به فرو نشاندن بحران‌های داخلی می‌اندیشیدند، نقش منسوجات (تصویر ۱۶، ۱۷، ۱۸ و ۱۹)^۴ در رقابت با عباسیان کاهش یافت. باین‌همه، گاهی فاطمیان از منسوجات برای برقراری روابط دوستانه با کارگزاران عباسی استفاده کردند تا از تنش‌ها کم کرده و مسائل داخلی را حل کنند.

۱. معزول گشت زاغ چنین زیرا چون دشمن نبیره زهرا شد

کفر و نفاق از وی چو عباسی بر جامه سیاهش پیدا شد

خورشید فاطمی شد و با قوت برگشت و از نشیب بالا شد

نک: آلیس سی هانسبرگر، ناصر خسرو لعل بدخشان، ترجمه فریدون بدره‌ای (تهران: فرزانه روز، ۱۳۸۰ش)، ۲۰۰.

۲. ابن اثیر، تاریخ کامل، ۵۸۹/۱۳.

۳. مقریزی، پندها و عبرت‌ها از بناها و آثار تاریخی مصر، ترجمه خطط مقریزی، ۶۳/۴.

۴. منبع شکل ۱۶: (گنجینه کلیسای جامع آیت در فرانسه):

O' Kane, "The Egyptian art of Tiraz in Fatimid times", 185.

منبع شکل ۱۷: (موزه متروپولیتن: ۲۹/۱۳۶/۴):

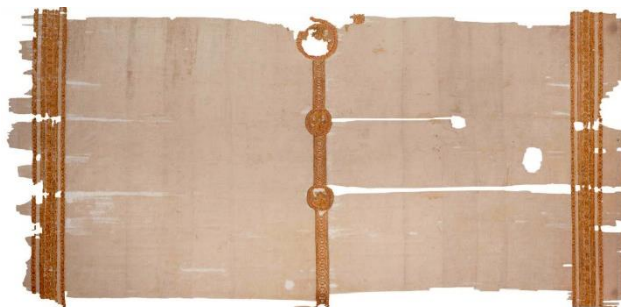
<https://www.metmuseum.org/art/collection/search/448251?searchField=All&sortBy=Relevance&ft=Fatimid+garment&offset=0&pp=20&pos=2>

منبع شکل ۱۸: (مجموعه جی. اف. بویر):

Bloom, *Arts of City Victorious. Islamic Art and Architecture in Fatimid Egypt and North Africa*, 162.

منبع شکل ۱۹: (موزه هنرهای زیبای بوستون: ۳۰/۶۷۷):

<https://collections.mfa.org/objects/66642/tiraz-fragment?ctx=9ea90d06-278a-4637-9867-4af2b05ee084&idx=11>



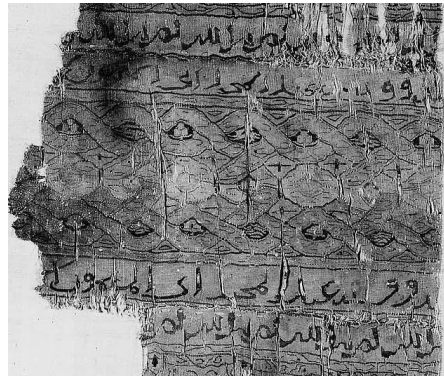
شکل ۱۶. ردای خلعت سفید از ابریشم و طلا مربوط به دوران المستعلی ساخته شده در کارگاه‌های نساجی دمیاط در سده ششم هجری.



شکل ۱۷. بخشی از یک روپوش سفید از کتان ابریشم دوزی شده مربوط به سده ششم هجری در مصر که شاید ردای خلعتی در دوران پایانی خلافت فاطمی بوده است.



شکل ۱۸. بخشی از یک روپوش سفید از ابریشم و طلا، مربوط به سده ششم هجری در مصر که شاید ردای خلعتی در دوران پایانی خلافت فاطمی بوده است.



شکل ۱۹. بخشی از یک طراز دوران الحافظ (حک. ۵۲۶-۵۴۴ق) با عبارت قرآنی "نصر من الله" که مربوط به سده ششم در مصر است.

بدین سان، شمال شام و حجاز نیز از دست فاطمیان خارج شد و حکمران مکه خلعت عباسی را پذیرفت و کسوت سفید کعبه جای خود را به پوشش سیاه عباسی داد. از سوی دیگر، بحران مالی سبب شد تا فاطمیان برای پرداخت دستمزد نظامیان، بخش بزرگی از «خزانه کسوات» را به تاراج دهند که در نتیجه نه تنها بسیاری از منسوجات عباسی غارت شده به بغداد بازگشت؛ بلکه بعضی از منسوجات گران‌بهای فاطمی نیز به دست عباسیان افتاد و خزانه نبود که نقش اساسی در رقابت سیاسی با عباسیان داشت و درفش‌های فاطمی در آن نگهداری می‌شد به کلی سوخت (جدول ۶).^۱

جدول ۶) اثر منسوجات در رقابت سیاسی عباسیان با فاطمیان در دوران فتنه

ق ۴۶۱	سوختن خزانه بنود بر اثر افتادن شمع از دست سعدالدوله و از بین رفتن پرچم‌ها و درفش‌های فاطمی
ق ۴۶۱	درخواست ابن حمدان ناصرالدوله، از سپاهیان شورشی در بحیره مصر، از قائم عباسی برای گرفتن خلعت
ق ۴۶۲	خلعت گرفتن محمد بن ابی هاشم، حکمران مکه، از آلب ارسلان و قائم عباسی
ق ۴۶۲	کسوت سفید کعبه جای خود را به کسوت سیاه داد.
ق ۴۶۲	پنج هزار جامه دیبای کهن یا حریر خسروانی از خزانه فاطمی به خزانه عباسیان بازگشت.
ق ۴۶۲	یازده هزار کزاعند از خزانه فاطمی به خزانه عباسیان بازگشت.

۱. منابع جدول نک:

Qaddumi, *A medieval Islamic book of gifts and treasures: Translation, annotation, and commentary on the Kitab al-Hadaya wa al-Tuhaf*, 201, 252;

مقریزی، پندها و عبرت‌ها از بناها و آثار تاریخی مصر، ترجمه خطط مقریزی، ۶۱/۴؛ ابن اثیر، تاریخ کامل، ۵۹۵۰-۵۹۵۱/۱۴؛ حسن، کنوز الفاطمیین (گنجینه فاطمیان)، ۲۶.

غارت خزانه‌های پوشاک و نابودی خزانه بنود ضربه شدیدی بر توان فاطمیان برای مقابله با عباسیان وارد کرد. پس از ایام فتنه دست عباسیان در استفاده از منسوجات برای مقابله با فاطمیان بازتر شد. از سوی دیگر، با آغاز جنگ‌های صلیبی در زمان جانشین مستنصر، مستعلی بالله (حک: ۴۸۷-۴۹۵ق)، بیش‌تر شامات از دست خلافت فاطمی بیرون رفت و حکومت آن‌ها به مصر محدود شد؛ اما مصر نیز از گزند صلیبیان و نورمن‌ها که در سیسیل به قدرت رسیده بودند، در امان نبود و کارگاه‌های مهم نساجی در بنادر شمال مصر، آماج هجوم و غارت آن‌ها شد. این حملات که تا پایان خلافت فاطمیان ادامه داشت، به‌طور جبران ناپذیری صنعت نساجی مصر را ویران کرد (جدول ۷).^۱

جدول ۷) غارت کارگاه‌های نساجی مصر در دوران پایانی خلافت فاطمی

تاریخ	دوران خلافت فاطمی	کارگاه‌های نساجی غارت شده	مهاجم
۵۴۸ق	ظافر بامر الله (حک: ۵۴۴-۵۴۹ق)	تَنَیس	نورمن‌ها
۵۶۵ق	عاضد لدین‌الله (حک: ۵۵۵-۵۶۷ق)	دمیاط	نورمن‌ها
۵۶۵ق	عاضد لدین‌الله	دمیاط	صلیبیان

خلفای فاطمی در این اوضاع و احوال برای نجات حکومت خود، در استفاده سیاسی از منسوجات، بازنگری کردند و از آن‌ها برای بهبود روابط با کارگزاران عباسی بهره گرفتند. از این رو، عادل بن سلار، وزیر ظافر (۵۲۷-۵۳۲ق)، أسامة بن مُنقذ، امیر و شاعر عرب سوری را که در خدمت فاطمیان بود با بار شتری از جامه‌های دبیقی، دمیاطی، سقلاطون و دستارها به سوی نورالدین زنگی، کارگزار عباسی شام فرستاد تا او را به اتحاد نظامی و حمله به صلیبیان در طبریه تشویق کند^۲ (تصویر ۲۰)؛^۳ ولی نورالدین از این امر سر باز زد و خلعت‌های فاطمی نتوانست مواضع سیاسی او را دگرگون کند.



تصویر ۲۰) طراز فاطمی که نام الظافر را دارد و شاید بخشی از یک خلعت در دوران پایانی خلافت فاطمی بوده است، مصر، سده ششم هجری.

۱. برای آگاهی از منابع جدول، نک: عزالدین علی ابن‌اثیر، کامل: تاریخ بزرگ اسلام و ایران، ترجمه ابوالقاسم حالت (تهران: علمی، ۱۳۵۳ش)، ۲۶۶/۲۰، ۲۷۳/۲۱؛ عزیز احمد، تاریخ سیسیل در دوره اسلامی، ترجمه نقی لطفی و محمدجعفر یاحقی (تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۶۲ش)، ۹۸.

2. Usama ibn-Munqidh, *An Arab-Syrian Gentleman and Warrior in the Period of the Crusades: Memories of Usama ibn-Munqidh (Kitab al-I tiba)*, trans. Philip K. Hitti (New York: Columbia University press, 1929), 35.

3. A. R. Guest, "Notes of some Arabic Inscriptions on Textiles at the South Kensington Museum", *Journal of The Royal Asiatic Society of Great Britain and Ireland* (1906), 395.

با شکست سیاست خلعت دادن به کارگزاران عباسی برای اتحاد، فاطمیان در برابر هجوم صلیبیان تنها ماندند که به ضعف بیش‌تر خلافت و بحران داخلی انجامید. هنگامی که سپاهیان صلیبی به دروازه‌های قاهره نزدیک شدند، خلفای فاطمی چاره‌ای نیافتند جز آنکه از سرداران هوادار عباسیان در شام دعوت کنند تا با سپاهیان خود به قاهره آیند و به آن‌ها خلعت وزارت دهند (جدول ۸)؛^۱

جدول ۸) استفاده هواداران عباسیان از خلعت وزارت در زمان عاضد برای نفوذ به دستگاه خلافت فاطمی در ۵۶۴ق

نوع منسوجات خلعت	هواداران عباسی
خلعت وزارت	اسد الدین شیرکوه، سردار کرد نورالدین زنگی
حنک، ثوب سفید دبیقی با طراز طلا، طیلسان با طراز طلا، دستار سفید طلا دوزی شده، منشور وزارت پیچیده در پارچه اطلس سفید	صلاح الدین یوسف بن ایوب، برادرزاده شیرکوه

ولی این خلعت‌ها نه تنها موفقیت سیاسی برای فاطمیان به بار نیاورد؛ بلکه سبب شد تا هواداران عباسیان در لباس وزارت به مهم‌ترین ارکان دستگاه دولت مصر رخنه کنند و به خلافت فاطمی پایان دهند. صلاح الدین ایوبی، سردار کرد زنگی، پس از عمویش، دومین وزیر هوادار عباسیان در دستگاه خلافت فاطمی بود. هرچند او با پوشیدن جامه سفید و سینه چاک کردن در مراسم تشییع عاضد^۲، کوشید که همچنان خود را وفادار به فاطمیان نشان دهد و فضای سیاسی مصر را آرام نگه دارد؛ ولی اندکی بعد به نشانه وفاداری به خلیفه عباسی، دستار و ردای خلافت قائم را که بساسیری به قاهره فرستاده بود، به بغداد بازگرداند^۳ و مستضیء عباسی (حک: ۵۶۶-۵۷۵ق)، برای او و خطیبان مصر جامه خلعت و پرچم‌های سیاه فرستاد^۴ تا پس از حدود دو سده، بار دیگر منسوجات به نماد قدرت سیاسی عباسیان در مصر و شکست فاطمیان بدل شود. هرچند پس از این شیعیان و هواداران فاطمیان دست به شورش‌های پراکنده زدند؛ اما موفق نشدند بار دیگر پرچم سفید فاطمی را در برابر عباسیان علم کنند.

نتیجه

فضای سیاسی پرآشوب سال‌های اول دوران خلافت فاطمی بر منسوجات آن‌ها اثرگذار بود. داده‌های تاریخی و تعداد اندک منسوجات این دوره نشان می‌دهند که فاطمیان چنان درگیر شورش هواداران عباسیان در سیسیل، افریقایه و مغرب بودند که تنها رویکردی بازدارنده نسبت به پوشیدن جامه سیاه، شعار عباسیان،

۱. منابع جدول نک: حافظ ابرو و دیگران، مجمع التواریخ سلطانیه، ۱۸۶؛ المقریزی، اتعاظ الحنفاء باخبار الامم الفاطمیین الخلفاء، ۳۰۹/۳.

۲. صنهاجی، تاریخ فاطمیان: ترجمه کتاب اخبار ملوک بنی عبید و سیرتهم، ۱۱۶.

۳. مقریزی، پندها و عبرت‌ها از بناها و آثار تاریخی مصر، ترجمه خطط مقریزی، ۴۰۷/۴.

۴. ابن اثیر، کامل: تاریخ بزرگ اسلام و ایران، ۹/۲۲.

درپیش گرفتند و به نوشتن آیات قرآنی که به تعبیر فاطمیان بر شکست زود هنگام عباسیان دلالت می‌کرد، بسنده کردند. اما در نیمه دوم دوران نخست خلافت فاطمی، رقابت سیاسی فاطمیان با عباسیان در منسوجات فاطمی بیش تر نمود یافت و فاطمیان رنگ سفید را که متضاد با شعار سیاه عباسیان بود به‌عنوان شعار خود تثبیت کردند. در سال‌های پایانی این دوران و با تسلط فاطمیان بر برخی از کارگاه‌های طراز در مصر رقابت فاطمیان با عباسیان در منسوجات نمود بیش تری یافت و مؤلفه‌های شیعی از جمله عبارت «درو بر او و خاندان پاکش» به طرازهای فاطمی راه یافت. اگرچه در پایان این دوران پرچم‌های فاطمی در رقابت با عباسیان در بخش کوچکی از سرزمین خلافت عباسی برافراشته شد، استفاده سیاسی فاطمیان از منسوجات برای نفوذ در داخل سرزمین‌های عباسی گسترش چشمگیری نداشت؛ زیرا هنوز قدرت اقتصادی و سیاسی عباسیان گسترده‌تر بود و کارگاه‌های نساجی بیش تر و مهم تری داشتند.

فاطمیان با تسلط بر مصر از پشتوانه اقتصادی و افزایش تولیدات نساجی با کیفیت عالی برخوردار شدند که آن‌ها را در رقابت سیاسی با عباسیان در موضع برتر قرار می‌داد. با دستیابی فاطمیان بر مصر استفاده سیاسی آن‌ها از منسوجات نیز افزایش چشمگیری یافت. این تحول بزرگ و مهم در استفاده از شعارهای شیعی پررنگ‌تر و بهره‌گیری از آیات قرآنی بیش تر بر ضد عباسیان در منسوجات نیز نمود پیدا کرد. تعداد قابل توجه طرازها و خلعت‌های مزین به شعار «علی ولی الله» این امر را تأیید می‌کنند و همچنین استفاده فراوان از عبارت قرآنی «نصر من الله و فتح قریب» در این دوره نشان می‌دهد فاطمیان در عرصه رقابت سیاسی با عباسیان در انتظار پیروزی نزدیک بر عباسیان و فتح بغداد بوده‌اند. رویداد بسیار مهمی که در این دوره بر رقابت سیاسی فاطمیان با عباسیان تأثیر گذاشت و در منسوجات فاطمی نیز نمود پیدا کرد، فتح مکه، مقدس‌ترین مکان عبادی مسلمانان، به دست فاطمیان بود. گزارش شاهدان عینی و جهانگردانی که در این دوره از مکه دیدار کرده‌اند، گواهی می‌دهد که فاطمیان کسوت سفید فاطمی را جایگزین کسوت سیاه عباسی کرده و از این مکان مقدس مسلمانان برای تبلیغ شعارهای خود بر ضد عباسیان و از طریق نقوش و عبارات منسوجات بهره گرفته‌اند. افزایش تولیدات نساجی در این دوره به فاطمیان اجازه داد تا رویکرد استفاده سیاسی از منسوجات در عرصه بین‌المللی بر ضد عباسیان را در پیش بگیرند. فرستادن خلعت از سوی خلیفه فاطمی برای امیران آل بویه از رقابت سیاسی فاطمیان با عباسیان متأثر بود و تلاش فراوانی شد تا با فرستادن خلعت، سلاطین سرزمین‌های اسلامی مانند غزنویان را از بیعت عباسیان منصرف سازند. هرچند این تلاش‌ها به‌طور کامل موفق نبود، به هر رو، فاطمیان را در کاربرد خلعت در عرصه بین‌المللی در برابر عباسیان در موقعیت برتری قرار داد. حاکم فاطمی توانست از طریق خلعت‌ها برخی از شهرهای عراق را از دست عباسیان بیرون آورد و در زمان مستنصر نیز برای زمان کوتاهی

بغداد به دست فاطمیان افتاد و استفاده فاطمیان از منسوجات در عملیات فتح بغداد اوج تأثیر رقابت سیاسی فاطمیان با عباسیان بر منسوجات فاطمی بود که با رنگ سفید و شعارهای شیعی روانه بغداد شدند. خشک‌سالی، شورش‌های داخلی و آغاز جنگ‌های صلیبی در دوران پایانی حکومت فاطمیان تأثیر چشمگیری بر رقابت سیاسی فاطمیان با عباسیان داشت و در منسوجات فاطمی نیز نمود پیدا کرد. هرچند آثار به‌جا مانده از این دوران نشان می‌دهند که فاطمیان همچنان از منسوجات در عرصه سیاسی بهره‌برداری می‌کرده‌اند و شعارهای شیعی در این دوران نیز بر منسوجات فاطمی دیده می‌شود. اما حمله صلیبیان و حکومت‌های اروپایی به شمال مصر، مرکز اصلی نساجی آن دیار، تولیدات نساجی را کاهش داد و آنان رویکرد استفاده از منسوجات برای نفوذ به سرزمین‌های عباسی را کنار گذاشتند و کوشیدند از منسوجات برای برقراری روابط دوستانه با امیران عباسی بهره‌برداری کنند. خاطرات أسامة بن مُنقذ که خود مسئول یکی از این ماموریت‌های دیپلماتیک بود، استفاده از خلعت‌های فاطمی برای نزدیک شدن به امیران عباسی را تصدیق می‌کند. این سیاست فاطمیان تا جایی پیش رفت که خلعت‌های مهمی چون خلعت وزارت نیز از آن سرداران هوادار عباسی شد و زمینه را برای سقوط فاطمیان آماده کرد.

فهرست منابع

- ابن اثیر، عزالدین علی. کامل؛ تاریخ بزرگ اسلام و ایران. ترجمه ابوالقاسم حالت. تهران: علمی، ۱۳۵۳ ش.
- ابن اثیر، عزالدین علی. تاریخ کامل. ترجمه حمیدرضا آژیر. تهران: اساطیر، ۱۳۷۰ ش.
- ابن حوقل، ابو القاسم. صورة الارض. لیدن: بریل، ۱۹۳۸ ش.
- ابن عذاری. البيان المغرب فی اخبار الاندلس و المغرب. بیروت: دار العربیة للکتاب، ۱۹۸۳ ق.
- احمد، عزیز. تاریخ سیسیل در دوره اسلامی. ترجمه نقی لطفی و محمدجعفر یاحقی. تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۶۲ ش.
- ادمز، لاری اشنایدر. درآمدی بر روش‌شناسی هنر. ترجمه شهریار وقفی پور. تهران: مینوی خرد، ۱۳۹۴ ش.
- چلونگر، محمدعلی. «روابط و مناسبات آل‌بویه و فاطمیان». در مجموعه مقالات نخستین همایش ملی ایران‌شناسی: مقالات سیاست، مدیریت و روابط بین‌المللی ایران، ویراسته عباس ملکی، ۲۰۹-۲۲۳. تهران: بنیاد ایران‌شناسی، ۱۳۸۳ ش.
- حافظ ابرو و دیگران. مجمع التواریخ سلطانیة. به کوشش محمد مدرسی (زنجان). تهران: اطلاعات، ۱۳۶۴ ش.
- حسن، زکی محمد. کنوز الفاطمیین (گنجینه فاطمیان). ترجمه ندا گلجانی مقدم. تهران: دانشگاه الزهراء، ۱۳۸۲ ش.
- دُزی، ر. پ. آ. فرهنگ البسة مسلمانان. ترجمه حسینعلی هروی. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۹۶ ش.

- ذیلایی، نگار. فاطمیان: از خشونت تارو اداری. تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۹۶ ش.
- رشیدالدین فضل‌الله. جامع التواریخ: قسمت اسماعیلیان و فاطمیان و نزاریان و داعیان و رفیقان. به کوشش محمدتقی دانش‌پژوه و محمد مدرسی (زنجان). تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۸۸ ش.
- صابی، هلال بن مُحَسَّن. رسوم دارالخلافه: نقش آیین‌های ایرانی در نظام خلافت اسلامی. ترجمه محمدرضا شفیعی کدکنی. تهران: کارنامه، ۱۳۹۶ ش.
- صنهاجی، ابی‌عبدالله محمد. تاریخ فاطمیان: ترجمه کتاب اخبار ملوک بنی‌عبید و سیرتهم. ترجمه حجت‌الله جودکی. تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۸ ش.
- طالب‌پور، فریده. «کارکردهای طراز در دوره فاطمیان». هنرهای زیبا - هنرهای تجسمی، شماره ۲۱ (۱۳۹۵ ش): ۶۴-۵۵.
- فرهود، فریناز و ماه‌منیر سیاحی. «بازتاب مذهب تشیع در طراحی نقوش منسوجات فاطمیان مصر». مبانی نظری هنرهای تجسمی، شماره ۴ (۱۳۹۶ ش): ۹۸-۸۵.
- قاضی النعمان. افتتاح الدعوه. بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۲۰۰۵.
- کاشانی، علی بن محمد. زبدة التواریخ. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۶ ش.
- لوئیس، برنارد و دیگران. اسماعیلیان. ترجمه یعقوب آژند. تهران: مولی، ۱۳۶۳ ش.
- مغنیه، محمدجواد. امیر مؤمنان و آذربایجان و دولت‌های شیعه در تاریخ. ترجمه محمد آیت‌اللهی. تبریز: روزنامه مهد آزادی، ۱۳۴۶ ش.
- مقدسی، ابوعبدالله محمد بن احمد. احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم. ترجمه علینقی منزوی. تهران: شرکت مولفان و مترجمان ایران، ۱۳۶۱ ش.
- مقریزی، احمد بن علی. اتعاظ المحنفاء باخبار الائمة الفاطمیین الخلفاء. قاهره: وزارة الاوقاف، المجلس الاعلی للشتون الاسلامیه، لجنة احیاء التراث الاسلامی، ۱۹۹۶.
- مقریزی، احمد بن علی. پندها و عبرت‌ها از بناها و آثار تاریخی مصر؛ ترجمه خطط مقریزی. ترجمه پرویز اتابکی و محمدرضا عطایی. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۹۷ ش.
- ناصر خسرو. سفرنامه حکیم ناصر خسرو. به کوشش محمد دبیرسیاقی. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۵۴ ش.
- واکر، پُل. پژوهشی در یکی از امپراتوری‌های اسلامی: تاریخ فاطمیان و منابع آن. ترجمه فریدون بدره‌ای. تهران: فرزانه روز، ۱۳۸۳ ش.

هانسیگر، آلیس سی. ناصر خسرو لعل بدخشان. ترجمه فریدون بدره‌ای. تهران: فرزانه روز، ۱۳۸۰ ش.

Bierman, Irene A. *Art and politics: The impact of Fatimid uses of Tiraz fabrics*. PhD diss.

The University of Chicago, 1980.

Bloom, M. Jonathan. *Arts of City Victorious: Islamic Art and Architecture in Fatimid Egypt and North Africa*. Singapore: Yale University Press, in association with Institute of Ismaili Studies, 2007.

Britton, Nancy Pence. *A study of some early Islamic textiles in the Museum of fine arts Boston*. Massachusetts: Museum of fine art Boston, 1938.

Daftary, Farhad. "The Ismaili Da'wa outside the Fatimid Dawla." in *L Egypte Fatimide: son art et son histoire*, edited by Marianne Barrucand, 29-43. Paris: Press de L universite de Paris-Sorbonne, 1999.

Dale, Sharon. "Contextual Art History: The Illusion of Precision." *History of Art*, Vol.8, No.3(1989): 32-6.

Guest, A. R. "Notes of some Arabic Inscriptions on Textiles at the South Kensington Museum". *Journal of The Royal Asiatic Society of Great Britain and Ireland* (1906): 387-399.

Halm, Heinz. *The Empire of Mahdi: the rise of Fatimids*. translated by Michael Bonnar. Leiden: Brill, 1996.

al-Hamdani, Abbas H. *The Sira of al-Mu'ayyad fi d-Din ash-Shirazi*. PhD diss. The University of London, 1950.

Kuhnel, Ernst. *Islamische Stoff aus Ägyptischen gräbern in der Islamischen Kunst Abteilung Und in der Stoffsammlung des schlossmuseumes*. Berlin: Herausgeben im Auftrage Generaldirektors der staatlichen museen, Verlag Ernst Wasmuth A. G, 1927.

Kuhnel, Ernst and Luisa Bellinger. *Catalogue of dated Tiraz fabrics: Umayyad, Abbasid, Fatimid*. Washington, D. C.: National Publishing Company, 1952.

Levinson, Jerrold. "Aesthetic Contextualism". *Postgraduate Journal of Aesthetics*, Vol.4, No.3 (2007): 1-12.

al-Qadi al-Nu'man. *Founding the Fatimid State: The Rise of an Early Islamic Empire: an annotated English translation of al-Qad- al- Nu man s Iftitah al-Da' wa*. translated by Hamid Haji. London: I. B Tauris in association with The Institute of Ismaili Studies, 2006.

O'Kane, Bernard. "The Egyptian art of Tiraz in Fatimid times." in *the word of the Fatimids*, edited by Assadullah Souren Melikian-Chrvani, 178-330. Toronto: Aga Khan Museum, 2018.

Qaddumi, Ghada Hijjawi. *A medieval Islamic book of gifts and treasures. Translation, annotation, and commentary on the "Kitab al-Hadaya wa al-Tuhaf"*. PhD diss. Harvard university, 1990.

Serjeant, Robert Bertram. "Material for A History of Islamic Textiles up to the Mongol Conquest". *ARS ISLAMICA*, Vols. XIII-XIV (1948): 75-117.

Usama ibn-Munqidh. *An Arab-Syrian Gentleman and Warrior in the Period of the Crusades: Memories of Usama ibn- Munqidh (Kitab al-I tibar)*. translated by Philip K. Hitti. New York: Columbia University press, 1929.

Walker, Paul E. *Orations of the Fatimid Caliphs: Festival Sermons of the Ismaili Imams*. London: I. B Tauris in association with The Institute of Ismaili Studies, 2009.

Wiet, Gaston. "Tissus et tapisseries du Musée Arabe du Caire". *Syria revue d Art et d archeologie*, Tome 16 fascicule 3 (1935): 278-290.

URLs:

<https://agakhanmuseum.org/collection/artifact/tiraz-textile-with-red-inscription-akm670>

<https://collections.mfa.org/objects/66642/tiraz-fragment?ctx=9ea90d06-278a-4637-9867-4af2b05ee084&idx=11>

<https://collections.vam.ac.uk/item/O261797/textile-fragment-unknown>

<https://collections.vam.ac.uk/item/O261821/woven-linen-silk/>

<http://collections.vam.ac.uk/item/O98743/tiraz-tiraz-unknown/>

<https://www.doaks.org/resources/textiles/catalogue/BZ.1933.14>

http://islamicart.museumwnf.org/database_item.php?id=object;EPM;us;Mus21;2;en&pageT=N

http://islamicart.museumwnf.org/database_item.php?id=object;ISL;tn;Mus01_B;50;en&pageT=N

<http://jameelcentre.ashmolean.org/object/EA1984.137>

<https://www.metmuseum.org/art/collection/search/448251?searchField=All&sortBy=Relevance&ft=Fatimid+garment&offset=0&rpp=20&pos=2>

<https://www.metmuseum.org/art/collection/search/448248>

<https://www.metmuseum.org/art/collection/search/448646>

<https://www.metmuseum.org/art/collection/search/698580>